

3599

۱۹۰۰

۱

۲۰۰

کتاب

سید الشهدا و آلِهِ

www.ketab.ir



 اداره کلی تبلیغات اسلامی استان مرکزی	 حوزه هنری انقلاب اسلامی استان مرکزی	پاییز اشعار آیینی شاعران دلیجان
به کوشش: پاییز رحیمی طراح جلد: امیرحسین صدایان دهکردی صفحه آرای: رضا نصرانی فراشبندی چاپ: اول ۱۳۹۶ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه شابک: ۹۶۰-۶۰۰-۸۴۰۹-۰۹-۰۲ قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان		
سرشناسه: رحیمی، پاییز، گردآورنده عنوان: فیروزه، اشعار آیینی شاعران دلیجان تکرار نام پدیدآورنده: به کوشش پاییز رحیمی مشخصات نشر: اندیشه صادق، برای اداره کل تبلیغات اسلامی استان مرکزی، حوزه هنری انقلاب اسلامی استان مرکزی، ۱۳۹۶. مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص؛ ۱۲۰۰۰ ریال. وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: کتابنامه؛ ص ۱۹۹-۱۹۸. موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها. موضوع: شعر نویسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها. موضوع: شاعران ایرانی - دلیجان. موضوع: شعر فارسی - ایرانی - دلیجان. شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری انقلاب اسلامی استان مرکزی، دفتر آفرینشهای ادبی. رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶، ۳۹/۳۹۰/۴۱۹ PIR رده‌بندی دیویی: ۸۱۶/۶۲۰۸ شماره مدرک: ۴۵۳۴۵۱۸		
نشانی حوزه هنری انقلاب اسلامی استان مرکزی: اراک، خیابان قائم مقام، میدان ساعت کدپستی: ۳۸۱۷۷-۱-۳۳۱۱ تلفکس: ۳۸۲۲۷۰۹۱۸-۲۰ (۰۸۶) www.artmarkazi.ir نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی می‌باشد.		

حوزه هنری امید هنر انقلاب است.
(مقام معظم رهبری)

شعر یعنی زیبایی و زیبایی یعنی نشانی از آفریدگار بزرگ هستی. حوزه هنری میعادگاهی است برای تجلی بیش از پیش این زیبایی، تا پنجره‌ای بگشاید به سوی بهتر دیدن، بهتر شناختن و به سرچشمه زیبایی وصل شدن و شعر آیینی تبلور روح اعتقادی شاعر است روحی زلال و لطیف به گستردگی آسمان لاجوردی و به تعبیری عزت‌مندترین شعر هستی.

حوزه هنری انقلاب اسلامی استان مرکزی در سال ۹۶ در پی توجه ویژه به هنرمندان شهرستانی و ساماندهی و ارتقای فعالیت‌هایشان در تمامی استان اقدام به چاپ اشعار آیینی شاعران جوان شهرستانی نموده تا هم در ترویج هنر دینی و هم حمایت از هنرمند متعهد گامی ماندگار بردارد.

«فیروزه» نامی است بر مجموعه اشعار آیینی که به سفارش دفتر آفرینشهای ادبی حوزه هنری استان مرکزی و با همکاری اداره کل تبلیغات اسلامی استان مرکزی، توسط سرکار خانم بانیز رحیمی انتخاب و گردآوری شده است. جا دارد همین جا از همکاری و تلاش خانم رحیمی تشکر نماییم.

با پی‌گیری‌های به عمل آمده بزودی مجموعه اشعار آیینی شاعران خمین، ساوه، محلات و ... نیز به چاپ خواهد رسید. چشم به راه یاری شاعران استان در به ثمر رسیدن این مجموعه آثار هستیم.

دفتر آفرینشهای ادبی

حوزه هنری انقلاب اسلامی استان مرکزی

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۲۳	 مطلبی پیرامون کتاب
۲۵	 اشعار آیینی شاعران
	■ مریم اصلانی / ۲۷
	■ مرحوم فرهاد پرویز / ۳۶
	■ مرحوم مهدی پرویز / ۴۵
	■ امیر تققدی / ۵۱
	■ محمد توکلی / ۶۶
	■ محمدحسن حسینی (حافی) / ۶۹
	■ پاییز رحیمی / ۷۷
	■ محمد رحیمی / ۸۷
	■ مهدی رحیمی (زمستان) / ۹۶
	■ حمید رضائی / ۱۲۰
	■ مریم رمضانپور / ۱۲۶
	■ محمد رازعی / ۱۳۴
	■ حمید صادقی / ۱۴۰
	■ غلامعلی صفری / ۱۴۲
	■ سعیده فرجی / ۱۴۴
	■ احسان قاسمی (ایکوت) / ۱۴۶
	■ حبیب قاسمی / ۱۵۴
	■ رمضانعلی مقامی / ۱۶۴
	■ هادی ملکی / ۱۶۶
	■ علی مهدی زاده (ع. روستا) / ۱۶۹
	■ سمانه میرزائیان / ۱۷۴
	■ سیدجعفر هاشمی / ۱۸۲
	■ عبدا... یوسفی / ۱۸۴
	■ علی یوسفی / ۱۸۸
۹۸	 منابع

مقدمه:

شعر آیینی، با سرّ اُس به هم پیوسته که یکی به ستایش ذات پروردگار و توحید، دیگری به تبیین آموزه‌ها و اصول و فروع دین، جهت پرورش و تکامل انسان، برای رسیدن به نهایت کمال انسانی و آخری منقبت و مرثیت اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و شرح حوادث زندگی آن‌ها به عنوان الگوهای ناب عالم انسانی می‌پردازد، که در طول تاریخ ادب فارسی حجم کثیری از سروده‌های شاعران را به خود اختصاص داده است. اما آنچه در این نوشته مطرح می‌شود، شعر آیینی با آن گستره‌ی غیر قابل مرزگذاری و فراخ دامن در شعر پارسی نیست، بلکه منظور از شعر آیینی و ولایی [۱] در اینجا، شعری است که پیرامون شخصیت و حوادث زندگی پیامبر نورانی اسلام و خاندان مکرمش سروده شده است. این گونه‌ی شعری نیز در ادب فارسی، سابقه‌ای طولانی دارد. آنچنان که در کتاب «مجموعه مقالات مناسبات دین و فرهنگ ایران» جامع‌ی ایران» می‌خوانیم:

«عاشورا سرایی در ادب فارسی از قدمتی طولانی و جنبشی دیرین

برخوردار است» (صاحبی، ۱۳۸۴: ۵۸۹)

یا در کتاب «شکوه عاشورا در شعر فارسی» می‌خوانیم:
«شعر عاشورا در زبان فارسی، قدمتی به دیر سالی شعر مکتوب دری دارد و هیچ شعری، از نظر وسعت قلمرو به شعر عاشورا نمی‌رسد.»
(مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۳)

و از رهگذر همین توصیف است که می‌شود شعر مذهبی را تا آغاز شعر فارسی قدمت داد.

پس از عهد صفویه که دوره‌ی اوج و گسترش تفکر و شعر شیعی در میان مردم بوده است، درخشان‌ترین دوره به لحاظ توجه به شعر آیینی و تلاش برای گسترش و آفرینش آن، دوره‌ی بعد از انقلاب اسلامی است. در واقع «پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تبیین بیشتر مفهوم ولایت و ترویج آموزه‌های دینی و ولایی در میان مردم و فراهم آمدن امکانات و شرایط مساعد برای بروز عقاید آرمانی و دینی و نیز به دلیل شرایط بحرانی خاصی که انقلاب اسلامی از بدو پیروزی تا امروز درگیر آن بوده، شعر آیینی به ویژه در قلمرو شعر ولایی، گسترش و نمو ویژه‌ای یافته است. البته در این میان نمی‌توان نقش اثرگذار و انتלקتوالیستی دستگاه‌های دولتی و فرهنگی را نادیده گرفت.»

(محمدپور، ۱۳۸۷: ۴۳)

یعنی درست است که در طول تاریخ ادب فارسی شعر مذهبی و آیینی کم نیست، اما باید بپذیریم که در هیچ دوره‌ای به اندازه‌ی دوره‌ی کنونی (پس از انقلاب) با انبوه شعر و شاعران مذهبی ولایی روبرو نبوده‌ایم.

از سوی دیگر «یکی از اتفاقاتی که در دهه‌های اخیر به گسترش و عمق بخشیدن به شعر آیینی کمک کرد، برپایی جشنواره‌ها و کنگره‌هایی بود که گاه به همت گروهی از مردم و گاه به همت مسئولانی که

دغدغه‌های فرهنگی داشتند، برگزار شد. کنگره‌ها چون به محفلی برای تجمیع گروه‌های زیادی از شاعران نسل‌های مختلف می‌انجامید، در ایجاد ناخودآگاه پیوندهای میان نسلی در حوزه‌ی ادبیات و انتقال تجربه‌های شاعرانه نقشی عمده داشتند.» (شفاعی، ۱۳۸۷: ۵۴)

اما باید توجه داشت که همین گسترش شتابزده و کارشناسی نشده باعث شده است، شعر آیینی این روزگار با صدمات جدی فراوان روبرو باشد. آسیب‌هایی که شناخت آن‌ها می‌تواند ادامه‌ی این جریان مستمر را از آلودگی‌ها و کاستی‌های موجود در امان بدارد.

بدیهی است، آسیب‌شناسی کنگره‌های آیینی بحثی است گسترده و ظریف، که در حوصله‌ی این نوشته و بضاعت علمی نگارنده نمی‌گنجد و روی سخن این نوشتار هم، با شاعران دین مدار دین باور نیست، بلکه نگارنده کوشیده است در حد توان خویش، اشعار چاپ شده در چندین کنگره‌ی مذهبی را، که تا مقدار زیادی می‌تواند نماینده‌ی شعر مذهبی این روزگار، باشد آسیب‌شناسی کند و از این رهگذر، توجه بانیان فرهنگی برگزارکننده‌ی چنین برنامه‌هایی را به دقت و عنایت کافی، در برنامه‌ریزی این همایش‌ها و نگاه کارشناسانه‌ی دقیق به آثار چاپ شده‌ی مربوط به آن‌ها برانگیزد.

توضیح این نکته ضروری است که با توجه به محدودیت این نوشته و فراوانی آثار چاپ شده، سعی شده است در مدخل هر مورد توضیحات لازم آورده شود و ابیات، بدون توضیح اضافی، به عنوان شاهد مثال آمده‌اند. دیگر این که آثار بررسی شده در این نوشته، عموماً کلاسیک هستند و آسیب‌شناسی شعر آزاد مذهبی را به مقال و مجالی دیگر سپرده‌ایم.

و آخر این که از میان مجموعه‌های فراوان چاپ شده، نگارنده ۱۰

مورد را به عنوان نمونه بررسی کرده است که مشخصات کامل آن‌ها در فهرست منابع آمده است.

استفاده از اصطلاحات سست و روزمره:

یکی از آسیب‌هایی که شعر مذهبی را تهدید می‌کند، استفاده‌ی افراطی از زبان ساده‌ی محاوره و بهره‌گیری از کلمات و اصطلاحات سست و سخیف است که به نظر می‌رسد، ابهت و فخامت شعر مذهبی را از برسر‌آل می‌برد.

در واقع ساده‌گویی و بافت و ساخت خاصی را که یغمای جندقی (۲۷۶-۱۱۶۱ قمری)، به عنوان نوحه‌ی عاشورایی ارائه داد موجب تغییر و تحول نوحه‌های عاشورایی و پس از آن شعر مذهبی شد.

«ساده‌گی‌هایی که یغما در شعر عاشورایی وارد کرده بود و استفاده از زبان محاوره و برخی اصطلاحات و کنایات روزمره باعث خطای نسل‌های بعدی شد، یعنی افراط در استفاده از زبان کوچه بازار، فخامت زبان عاشورایی را گرفت و آن را تا حد زبان نوحه تنزل داد ... این نوع شعر علاوه بر سستی زبان و لفظ، از نظر محتوا نیز به ضجه و مویه و سوگواری بسنده کرد ... که رد پای آن تا روزگار ما پیداست»

(کافی، ۴۷۴: ۱۳۸۶)

به این مورد تأثیر شعر نوی نیما و تلاش آن برای نزدیکی هرچه بیشتر به زبان مردم، را نیز باید اضافه کرد. این نزدیک شدن به زبان محاوره و ساده‌گرایی‌های افراطی شعر مذهبی را هم در جنبه‌ی خویش گرفت تا جایی که شاعران مذهبی به دامن سرودن ابیاتی از این دست افتادند:

- آه! این منم که عشق علی نیست در دلم؟

کوفه! مرا به جمع خوارج اضافه کن

(تجانی، ۱۳۸۶: ۵۹)

- قسم به اشک! که تنها خدا به شهوت او شد

نزول دوم قرآن دوباره کرده هوایش

(کلهر، ۱۳۸۵: ۲۴)

- ترسم که راز نور تو را لو دهد کسی

فاشت اگر کنند، قمر، سجده می کند

(همان: ۲۵)

- افتاده ام از پا، شده ام بارکشی که

کج رفته و حالا شده راهش دو برابر

(لطیفیان، ۱۳۸۶: ۱۹)

- این چندمین روایت بغض است، بگذریم

باران عشق یک نمه اما به ما ببار

(آرینه کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران، ۱۳۸۲: ۴۵)

- رفتی!... همه ی مسأله این جا ست و لی کاش

یک بار گذر بر گذر ماش بیفتد

(حسینی، ۱۳۸۵: ۱۱۶)

- جز ما که اشکمان دم مشک است دائماً

مردم کجا به آب مصافی وضو کنند؟

(لطیفیان، ۱۳۸۶: ۱۲)

ردیف و قافیه های اجباری:

«هنگامی که شعر نو سالم در این دیار متولد شد و اندکی بالید، شعر کلاسیک را نیز به چالش فراخواند و نسیم تازه نوسرایی که امروزه در شاخ و برگ قالب های سنتی وزیدن گرفته است از نشانه های این

چالش و تکاپو و از برکات همین هم‌نشینی است.» (حسن‌لی، ۱۳۷۲: ۵۰)

در حقیقت «شعر معاصر با شیوع شیوهی نو، در لحن و بیان و واژگان، تازگی‌های قابل و ارجمندی یافت که شعر سنتی رانیز بهره‌مند ساخت. و شعر سنتی به خاطر هم‌نشینی با طرز تازه در ادبیات انقلاب اسلامی، بیش از دوره‌ی پهلوی از این نوجویی‌ها و تازه اندیشی‌ها بهره‌مند گشت. با توجه به چرخش مضمونی شعر، به سوی موضوعات آیینی به ویژه عاشورا، شعر مذهبی نیز از این تازگی‌ها برخوردار شد.»

(کافی، ۱۳۸۶: ۵۴۷)

یکی از این نوجویی‌ها در حوزه‌ی ردیف و قافیه اتفاق افتاد. [۲]
آوردن ردیف و قافیه‌هایی که قرار بود با هم‌نشینی در کنار سایر کلمات بیت به ایجاد تصویر جدید یا غنای اندیشه و عاطفه‌ی بیت بیانجامد، اما بیشتر از آن که این نقش کلیدی را ایفاکند، به مثابه‌ی وصله‌ای ناهم‌رنگ در بیت فرار گرفت و یا چونان خرمهره‌ای نازیبا از میان رشته‌ی بیت بیرون زد. این ناهمگونی و نازیبایی منجر به آفریدن ابیاتی سست و بی‌محتوا از این دست شد:
- آه آن همه امید و فقط رنج مویه‌ها

یا محو هست‌های نباید! نیامدی
یا اعتراض زخم علیه کدام دست

آشوب ندوای مجدد! نیامدی

(اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مرکزی، ۱۳۸۱: ۲۶)

- صحرا به درد خفته و شب در سکوت بود
پس لرزه‌های زلزله هم بی‌ثبوت بود
در خیمه‌ای که آتش غارت گرفته بود
پروانه‌ای به سلسله‌ی عنکبوت بود

خنجر به تار زخمی انگشت می نواخت

موسیقی ای که زمزمه اش در فلوت بود

(لطیفان، ۱۳۸۷: ۸۲)

- در لحظه می نشینی و شب، شور می شود

شیرین تر از حلاوت انگور می شود

(اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران، ۱۳۸۲: ۱۵)

- که بلبل چمن من چه بی غنود شدی

چرا شکسته شدی یاس من، کبود شدی؟

(اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران، ۱۳۸۲: ۷۴)

نحو بیمار مصراع ها:

«شک نیست که کلام وقتی می تواند معنی و مفهوم خود را القا کند که درست و در جای خود در عین زیبایی و ظرافت به کار رود، در غیر این صورت، معنی را دچار اختلال و ابهام می کند و از ارزش و اعتبار اثر می کاهد ... رعایت نکردن قواعد زبان، نه تنها برای شاعران و نویسندگان درجه ی دوم عیب محسوب می شود بلکه برای شاعران و نویسندگان بزرگ نیز چنانچه فایده ی بلاغی نداشته باشد، نقص است و ناروا.» (دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲: ۲۲)

یکی از مشکلات شعر مذهبی، خاصه اشعار چاپ شده در مجموعه های مربوط به همایش های آیینی، نحو بیمار و مشکلات شدید دستوری است. عدم رعایت قواعد زبان که از اساسی ترین پایه های آفرینش یک شعر است، می تواند برای شعر آیینی آسیبی جدی محسوب شود:

- خوشا به حال تو ای چاه حضرت مولا

کنار خلوتت آسوده آه می ریزد

(نجانی، ۱۳۸۶: ۱۳۷)

واضح است که آه ریختنی نیست. و شاعر قطعاً در تنگنای ردیف و قافیه چنین تعبیر نازیبایی آفریده است.
- ما کور، کر، لیاقت ما را به رخ نکش

از رویتان نه ما که جهان، شرم و خاکسار

(اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران، ۱۳۸۲: ۴۵)

این جا نیز شاعر واژه‌ی «شرم» را به معنی شرمنده و شرمسار آورده، در حالیکه معلوم نیست به چه قرینه و حسابی پسوند «سار» را از انتهای «شرمسار» انداخته است. البته که باز هم قید قافیه بر پای شاعر است. در حالیکه به راحتی می‌توانست مثلاً بگوید: از رویتان نه ما که جهان، نیز شرمسار!

- زلال و ساده‌تر از چشمه، بی‌ریا بانو

دلم گرفته شد از دوری شما بانو

(همان: ۷۶)

- بالای زیر بمار که، و گرنه به رسم کفر

اینها اگر سوار بیفتند کشیده‌اند

(لطیفیان، ۱۳۸۶: ۵۵)

در این بیت، آوردن دو حرف ربط کنار هم از یک سو به مصراع، ضربه زده و از سوی دیگر مفهومی که شاعر نتوانسته القا کند، بیت را سست و بی‌مایه کرده است. معلوم نیست «اینها» چه چیزی را کشیده‌اند یا قرار است بکشند!

پیچیدگی‌های لفظی و معنوی:

از آنجایی که شعر مذهبی برای بیان اندیشه‌های متعالی و تأثیر گذاری عمیق روحی آفریده می‌شود، باید بتواند با زبانی ساده و بیانی روان، با مخاطب خویش ارتباط برقرار کند. منظور از ساده بودن زبان، در اینجا،

ابتدال زبان و در افتادن آن به ورطه‌ی عوام‌گرایی نیست بلکه هدف، بیان محتوا و اندیشه‌ی مذهبی، با کلامی همه فهم و البته استوار و زیباست، اما در شعرآیینی امروز، شاعر به جای استفاده از زبان سالم و ساده، با آوردن پیچیدگی‌های لفظی و معنوی، خواننده را سردرگم می‌کند، طوری که بعد از خوانش بعضی ابیات یا مصراع‌ها با سؤال یا حتی معمای مواجه می‌شود و نه تنها از شعر بهره‌ای نمی‌برد بلکه در ابهام غیر هنری شعر سرگردان می‌ماند. مثل ابیات زیر که غالباً بی‌معنی به نظر می‌آیند یا مفهومی ناقص دارند:

- یا اعتراض زخم‌علیه کدام دست

آشوب نینوای مجدد! نیامدی

(اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مرکزی، ۱۳۸۱: ۲۶)

- بالا به روی دست و بازو و این بار

سجاده‌ات را پهن کردی زیر باران

(کلهر، ۱۳۸۵: ۳۴)

- ضریح زرد و طلایت چه محو کرده مرا

چه می‌شود که ببارد، شبی به غایت تو

(حسنی و مریدی، ۱۳۸۵: ۳۶)

- درون کوچه‌ی شعرم روان شده آبی

یکی گرفته پداله کمی می‌نابی؟

(کلهر، ۱۳۸۵: ۱۰۵)

- دعای اوست که آغوش هیزمان خلیلی

به تن کشیده بلوزی گلین و سرخ برایش

(محل، ۲۲)

کم بودن دامنه‌ی شناخت شاعران از زندگی ائمه (ع):

یکی از مشکلات شعر مذهبی، کم بودن اطلاعات شاعر از زندگی و

ابعاد شخصیتی معصومین (ع) است. این عدم شناخت کافی، منجر به آفریدن اشعاری با اصطلاحات دستمالی و کلمات تکراری، آن هم فقط در زمینه‌ی حوادث زندگی معصومین (ع) و نه ابعاد شخصیتی و تکامل یافته‌ی انسانی آن‌ها، شده است، به طوری که در یک تورق شتابزده می‌توان به راحتی کلمات مشترک مربوط به هر معصوم (ع) را بیرون کشید و با چیدن آن‌ها در کنار هم متوجه شد که اکثر این ابیات، هیچ بینش معرفتی تازه‌ای را به خواننده نمی‌دهد.

درست است که شعر مذهبی، آنچنان که منظور نظر این نوشته است، چاره‌ای ندارد از این که، با کلمات و اصطلاحات حوزه‌ی مذهب درگیر باشد و از آن‌ها استفاده کند، اما استفاده‌ی یکسان و تکراری از چند کلمه و اصطلاح مشخص، جز ملال و خستگی چیزی برای خواننده نخواهد داشت.

به عنوان مثال بیشترین اصطلاحاتی که در اشعار مربوط به امام علی (ع) به چشم می‌خورد عبارت است از: کوفه، چاه، نخلستان، غربت، نان و خرما و محراب و واژه‌هایی از این دست:

- مولا به رنگ آینه‌هایی به رنگ ماه

سرکن دربار به‌غض خودت را درون چاه

(نجاشی، ۱۳۸۶: ۶۲)

- وقتی که به دوش نان و خرما می‌برد

از هر نفسش دری خدا می‌آمد

(همان: ۷۳)

- کدام کوچه در این شهر خواب ماند و ندید

به دوش خسته‌ی تو کیسه‌ی غذایت را

(اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران، ۱۳۸۲: ۵۴)

- دوباره مسجد و محراب سرشکسته شده

فقط برای سری که سحر شکسته شده

(حسینی، ۱۳۸۵: ۱۷۴)

من باورم شده است که تنها ترین تویی

با چاه کوفه بحث و جدل بی نتیجه است

(اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران، ۱۳۸۲: ۶۲)

و به این شکل برای حضرت زهرا (س)، واژه‌های (در، دیوار، سوختن، فدک)، برای امام زمان (ع) (دعای فرج، جمعه، سیصد و سیزده، دعای ندبه)، برای امام سجاد (ع) (بیمار، دعا، صحیفه) و برای امام حسین (ع) و امام رضا (ع) به ترتیب کلمات (نیزه، گودال قتلگاه، عطش، عمود، خیمه، شام، مشهد، انگور، ضریح زرد طلا، پنجره فولاد، شفا، نقاره) بیشترین کاربرد را با تصویرهایی تقریباً یکسان و همانند دارند. حال سؤال این است که شاعر مذهبی با رسالت ویژه‌ای که در این عرصه بر دوش دارد، چه زمانی باید از این تصویرسازی‌های تکراری با حرف‌های معمولی دست بردارد و رانن‌های معرفتی تازه‌ای را از زندگی و شخصیت معصوم (ع) برای خواننده ترسیم کند؟ آن هم خواننده‌ی امروزی که با بسیاری از این اصطلاحات بیگانه است و در دنیای شلوغ و وانهاده‌ی امروز به دنبال الگوی قابل دسترس، برای رسیدن به آرامش و معنویت و رستگاری می‌گردد.

ستایش مستقیم، اغراق بی اندازه، وهن به ساحت قدس اهل بیت (ع):

ائمه‌ی معصومین (ع)، الگوهای برتر عالم انسانی‌اند، نمایندگان انسان کامل در زمین، که، با ارائه‌ی نقش‌های مفید اسوه‌گرایانه سایر انسان‌ها را در مسیر تکامل قرار می‌دهند و لازمه‌ی این امر ارتباط و پیوند

داشتن آن‌ها با عوالم انسانی و زندگی روزمره و زمینی مردم است. ستایش محض ائمه (ع) آن‌ها را در مرتبه‌ی مافوق انسان قرار دادن، از نقش الگودهی آن‌ها می‌کاهد و ایشان را در سطح یک نماد غیر قابل دسترس نگه می‌دارد.

«بحث مهم دیگر این است که ما به راستی تا چه حد اجازه‌ی اغراق در ستایش شخصیت‌های مذهبی را داریم؟ شاید کسی بگوید «ما درباره‌ی این بزرگان هرچه بگوییم اغراق نکرده‌ایم» ولی من فقط به این اشاره می‌کنم که یکی از گروه‌هایی که از سوی شیعیان مذهب جعفری عملاً «کافر» دانسته می‌شوند، غلوکنندگان، درباره‌ی حضرت علی (ع) اند. تاحدی که به حضرت مقام خدایی قایل می‌شوند و این گروه به «عالی» معروف‌اند یعنی «غلو کنندگان»» (کاظمی، ۱۳۸۷: ۳۲)

شعر مذهبی با از ستایش‌های محض و اغراق‌های نابجا سرشار است، یا شاعر با استفاده از اصطلاحات و ترکیبات سخیف و سبک، ناخواسته دست به وهن شخصیت و مقام معصوم (ع) زده است:

اغراق:

- تو آن خدای مرد زمینی که گفته‌اند:

روی زمین اگر تو نبودی، خدا نبود!

(نجاشی، ۱۳۸۶: ۱۳۲)

- از شدت یکتایی خورشید تو مانده‌ست

ذرات جهان یک‌سره در حال تشهد!

(همان: ۲۱)

- زهرا همان علی‌ست که آیین‌های خداست

زهرا همان خداست که آیین‌های علی‌ست!

(اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران، ۱۳۸۲: ۲۵)

ستایش مستقیم:

– بالایی آن قدر که چنین از تو گفته اند:

با تو کسی شبیه خدا هم صدا نبود!

(نجاشی، ۱۳۸۶: ۱۳۱)

– صدها ستاره بر زمین پاشید هر شب

وقتی عباي دوش خود را می تکانید

(لطیفیان، ۱۳۸۷: ۲۱)

– این نام دوست حک شده بر دوش بادهای

گویی خدا نشسته در آغوش بادهای!

(اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مرکزی، ۱۳۸۲: ۲۵)

– هر روز شمع خاکی خورشید می سوزد

از گنبد طلای تو روشن در آسمان

(حسنی و مریدی، ۱۳۸۵: ۵۰)

– گل یک به یک مطالب این برکه را شمرد

در باحه سمت محضر او در اطاعت است

(نجاشی، ۱۳۸۶: ۲۱)

و هن به ساحت مقدس اهل بیت (ع):

– انا الیه راجعون می ریزد، از شب

آیات رحمت رو به پا کنند با تو

(اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران، ۱۳۸۲: ۶۸)

«به پایان رسیدن آیات رحمت با وجود اهل بیت (ع)»!

– یک شب به اشتباه از اینجا گذشته‌ای

تا باشد ای عزیز از این اشتباه‌ها!

(کلهر، ۱۳۸۵: ۴۹)

«اشتباهی گذر کن اهل بیت (ع)»!

- گر که می‌خواهی تو هم شربت بیا

صاحب این شهر حلوایی رضاست!

(حسینی و مریدی، ۱۳۸۵: ۴۱)

«عنوان شهر حلوایی برای مشهد!»

- یا دست مرا باز بگیر و کمک کن

یا دست بشوی از من و بگذر

(لطیفیان، ۱۳۸۶: ۱۹)

«فرمان دادن و امر کردن به اهل بیت (ع)، دور از ادب است»

عدم حضور انسان و جامعه‌ی امروزی در شعر آیینی:

«قضیه‌ی دیگری که قابل تأمل و توجه به نظر می‌آید، حضور انسان و جامعه‌ی امروزی در شعر آیینی ماست. یعنی گره خوردن آن معارف با حقایق امروزیین جامعه، به گونه‌ای که نوعی پیوند میان دیروز و امروز ایجاد شود و ما بتوانیم آن حقایق را برای مردم عصر خویش قدری ملموس‌تر و محسوس‌تر سازیم» (کاظمی، ۱۳۸۷: ۳۳)

در شعر آیینی امروز، انسان‌ها و اشیای محیط پیرامون ما، حضور ندارند و شاعران این حوزه بیشتر، جدا از زندگی، شعر می‌سرایند، به همین دلیل شعرهایشان اکثراً غیر صمیمی و غیر ملموس است:

- می‌رفت تا که فاش، پدر خوانمت عمو

سم فرس رسد و دهان مرا گرفت

(لطیفیان، ۱۳۸۶: ۴۶)

- مسحور قرآن‌های روی نيزه‌هايند

پيراهن خونين عثمانند با تو!

(اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران، ۱۳۸۲: ۶۸)

- با یال اسب‌های رها در باد، بوی جنون زلف تو می‌آید
در التهاب سرخ نفس‌هایت، این جاده، این مسیر، چه خواهد کرد؟

(اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مرکزی، ۱۳۸۱: ۵۸)

- نگو به من گل عاشق! نگفته می‌دانم
سوار اسب سفیدی از ابر می‌آیی

(همان: ۲۸)

به موارد فوق، فرم‌گرایی‌های بدون محتوا، گرایش‌های روضه‌ای و منبری شعر آیینی، بلاغت‌های غیر بلیغ، تکراری بودن قافیه و ردیف و وزن، تصاویر شبهه به هم و کپی شده و اشکالات فراوان تاییدی و املائی را هم می‌توان اضافه کرد که مجال کوتاه این نوشته اجازه‌ی آوردن نمونه‌ها را نمی‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از مجموعه‌ی آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که شعر آیینی کنگره‌ای، در تولیدی شتابزده و فراوان، آن هم از سوی انبوه شاعرانی که غالبشان نیز، شاعران طراز اول این حوزه نیستند، دچار صدمات و آسیب‌های فراوانی شده است. آسیب‌هایی که در حوزه‌ی نحو و دستور زبان، بلاغت و تصویرسازی، عروض و قافیه و موسیقی و حتی ارائه‌ی معنا و مفهوم قابل بررسی و تأمل هستند و شناخت و توجه کارشناسانه به آن‌ها می‌تواند، شعر آیینی را که یکی از گونه‌های پر مشتری و رو به رشد و البته پرهزینه‌ی این روزگار است، از کاستی‌ها و نواقص موجود در امان بدارد.

البته پر واضح است، مواردی که در این نوشتار تحت عنوان آسیب‌های شعر مذهبی نام برده شد، فقط به این نوع شعر، محدود نمی‌شود و آفتی است که همه‌ی گستره‌ی شعر معاصر را تهدید می‌کند، اما از

آنجا که این عرصه، عرصه‌ی ویژه و حساسی است و در این نوشتار هم موضوع مورد بحث، کوشیدیم تعدادی از آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. باشد که بانیان مجامع شعر آیینی کشور، این خطرات و صدمات را به دیده‌ی جد بنگرند و با استفاده از حضور کارشناسان و صاحب‌نظران ارزشمند و دقیق، در رفع نواقص یاد شده بکوشند. در پایان پیشنهاد می‌شود، محققین بعدی به آسیب‌شناسی شعر مذهبی در سطح کلان پردازند. هم چنین جای تحقیق، پیرامون قالب‌های شعر آیینی، قالب‌های جدید و احیا شده و نیز بررسی شعر آزاد آیینی در میان تحقیق‌ها و پژوهش‌های این عرصه خالی است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- منظر، از شعر و ادبی در این نوشته، شعری است که در مورد شخصیت و حوادث زندگی پیامبر اسلام (ص) و خاندان نورانی‌اش سروده شده است.
- ۲- برای اطلاع بیشتر از فواید و موانع قافیه و ردیف و نقش آن‌ها در شعر کلاسیک فارسی، به کتاب ارزشمند «موسیقی شعر» اثر دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (نشر آگاه)، ص ۶۲ مراجعه شود.